

## پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۶	موضوع :	فقه ۵
تاریخ :	۹۱/۰۶/۱۱	ساعت :	۸

نام کتاب: شرح لمعه، از اوّل کتاب الغصب تا اوّل ارث

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## سؤالات تستی:

۱. الأجدود فی تعریف الغصب: أنّه الاستیلاء علی ... (نظر شهید ثانی)

- ۵۶۳/۳ د
- أ. مال الغير ظلماً  ب. حق الغير عمداً  ج. مال الغير عمداً  د. حق الغير عدواناً

۲. (فی لقطه المال): ما كان منه فی الحرم ... (نظر شهید اوّل)

- أ. حرم أخذه بنية التملك مطلقاً  ب. حرم أخذه بنية التملك إلّا إذا كان قليلاً
- ج. يكره أخذه إذا كان قليلاً ويحرم إذا كان كثيراً  د. يكره أخذه مطلقاً

۳. لو شرب الحيوان المحلّل بولاً ...

- ۱۲۲ ب
- أ. لم يؤكل ما فی جوفه  ب. غسل ما فی بطنه و أكل  ج. كره أكل لحمه و حرم ما فی جوفه  د. حرم لحمه

۴. ما أبین من حیّ كألیات الغنم ...

- ۱۲۶ ج
- أ. لا يحلّ أكلها ولكن يجوز الاستصباح بها مطلقاً  ب. يحرم أكلها و لا يجوز الاستصباح بها إلّا تحت السماء
- ج. يحرم أكلها و لا يجوز الاستصباح بها تحت السماء  د. يحرم أكلها و يجوز استعمالها إلّا فی الاستصباح

## سؤالات تشریحی:

\* لو اجتمع المباشر و السبب ضمن المباشر إلّا مع الإكراه أو الغرور، فيستقرّ الضمان علی الغارّ و المكروه؛ لضعف المباشر بهما، فكان السبب أقوى، هذا فی المال، أمّا النفس فيتعلّق بالمباشر مطلقاً. ۵۶۸/۳

۱. أ. در ضمن مثال «مباشر» و «سبب» را مشخص کنید. ب. مرجع ضمیر در «بهما» و مراد از «مطلقاً» چیست؟

- أ. کسی که شخصی را می‌کشد مباشر قتل است و ظالمی که او را مجبور می‌کند که شخصی را بکشد سبب قتل است.
- ب. بهما: اکراه و غرور - مطلقاً: چه مباشر مکروه و مغرور باشد یا نباشد.

\* لو غصب شاة فأطعمها المالك جاهلاً بكونها شاته ضمنها الغاصب له؛ لضعف المباشر بالغرور، فيرجع علی السبب. و تسليطه المالك علی ماله و صيرورته بيده علی هذا الوجه لا يوجب البرائة. ۵۷۶/۳

۲. أ. فرع مذکور و دلیل آن را شرح دهید. ب. عبارت «و تسليطه المالك علی ماله ...» را توضیح دهید.

- أ. اگر شخصی گوسفندی را غصب کرده آنگاه آن را به مالکش داد تا بخورد و مالک هم که جاهل بود مال خودش است آن را گرفت و خورد غاصب ضامن است به خاطر این که مباشر تلف (خورنده که مالک است) به خاطر غرور و فریب غاصب ضعیف است از جهت اسناد اتلاف به او، پس به خاطر اتلاف مراجعه می‌کند به غاصب برای گرفتن حقیقش ب. غاصب با دادن گوسفند به مالکش با این کیفیت (که مالک جاهل است) از ضمان خارج نمی‌شود. (پس مراد از برائت، برائت ذمه غاصب است و مراد از مباشر مالک که آکل است و مراد از سبب غاصب می‌باشد.)

\* و لو اختلف الملتقط و اللقيط بعد البلوغ في الإنفاق فادّعا الملتقط و أنكره اللقيط، أو اتّفقا على أصله و اختلفا في قدره حلف الملتقط في قدر المعروف؛ لدلالة الظاهر عليه و إن عارضه الأصل. ۱۷/۴

۳. أ. متن را توضیح دهید. ب. مراد از «الأصل» در آخر متن چیست؟

أ. بعد از آن که لقيط بالغ شد اگر در اصل انفاق یا مقدار آنچه انفاق شده بین او و ملتقط اختلاف بیفتد قول ملتقط نسبت به مقداری که به اندازه متعارف است قبول می شود همراه قسم، زیرا هر چند اصل عدم انفاق آن مقدار است لکن ظاهر آن است که آن مقدار انفاق شده است. ب. مراد از اصل اصالة عدم الانفاق (استصحاب) است.

\* و يصرف الامام (عليه السلام) حاصل الأرض المفتوحة عنوةً المحياة حال الفتح في مصالح المسلمين و لا يجوز بيعها. ۴۸/۴

۴. أ. مراد از «مفتوحة عنوة» و «محياة حال الفتح» چیست؟ ب. چرا بیع آن جایز نیست؟

أ. زمینی که مسلمانان با غلبه بر کفار از آنها گرفته اند که در آن حال هم آباد بوده ب. چون مربوط به تمام مسلمانان حتی آیندگان است الی یوم القيامة یعنی همه آنها از حاصلش حق دارند.

\* و لو أدرك ذو السهم أو الكلب الصيد مع إسرعه إليه حال الإصابة و حياته مستقرة ذكاه، و إلاً يسرع أو لم يذكّه حرم إن اتّسع الزمان لذبحه. ۷۶

۵. ضمن بیان فرع فوق، بیان کنید مراد از «استقرار حیاة» چیست؟

اگر صیادی که با تیر یا کلب معلّم صیدی را زده فوراً به سمت آن برود و او را زنده ببیند به نحوی که امکان ادامه حیات دارد باید آن را تذکیه کند و اگر سریع به طرف آن نرود یا اگر رفت و او را زنده دید تذکیه نکند با این که وقت برای این کار داشت حرام می شود. یعنی حیاتش امکان ادامه و بقاء داشته باشد نه این که در حال مردن و جان کندن باشد.

\* الواجب في الذبيحة قطع الأربعة، و متابعة الذبح حتى يستوفى قطع الأعضاء، فلو قطع البعض وأرسله ثم تمّمه أو تناقل بقطع البعض حرم إن لم

يكن في الحیاة استقرار؛ لعدم صدق الذبح مع التفرقة كثيراً؛ لأنّ الأوّل غير محلّل، و الثاني يجري مجرى التجهيز على الميت. ۸۳-۸۶/۴

۶. أ. عبارت را توضیح دهید. ب. مراد از «اعضاء اربعة» و «الأوّل» و «الثاني» چیست؟

أ. واجب است در ذبح اعضاء چهارگانه قطع شود و باید موالات مراعات شود تا پایان قطع پس اگر نیمی را قطع کند و حیوان را رها کند و بعد از مدتی بقیه را قطع کند یا در قطع بقیه اعضا کندی کند حرام می شود در صورتی که استقرار حیات نداشته باشد چون با فاصله انداختن زیاد ذبح صدق نمی کند زیرا قطع اولی تذکیه شرعی نبود تا حلال کند قطع دوّمی (قطع باقیمانده) هم به منزله تجهیز بر میت و ذبح میت است

ب. مراد از اعضاء اربعة: مری - حلقوم - دو رگ دو طرف حلقوم؛ مراد از «الأوّل»: قطع بعض اول؛ و مراد از «الثاني»: قطع مرحله دوم که باقیمانده را قطع می کند.

\* لا يملك الصيد المقصوص أو ما عليه أثر الملك؛ لدلالة القصّ و الأثر على مالك سابق و الأصل بقائه. و يشكل... ۱۰۱/۴

۷. عبارت را معنی کرده، اشکالی را که شهید ثانی مطرح کرده بنویسید.

اگر کسی صیدی را (مثلاً پرنده و کبوتری را) که بالهایش چیده شده یا علامت ملکیتی (مثلاً زنجیری در گردن) دارد بگیرد آن را مالک نمی شود زیرا قصّ و آن اثر و علامت اماره و دلیل این است که مالک داشته و الان هم با استصحاب می گوئیم آن مالک را هنوز دارد. وجود قصّ یا اثر فقط دلیل بر این است که مؤثری بوده که این اثر را ایجاد کرده اما دلیل بر وجود مالکی که ملکیت او هم محترم باشد نیست زیرا قصّ و آن اثر از غیر مالک هم ممکن است صادر شود.

\* لا يحرم شرب الربوبات و ان شمّ منها ريح المسكر كربّ التفاح لعدم اسكاره و اصالة حلّه و يجوز عند الاضرار تناول المحرم و لا يرخصّ الباغي و لا العادي. ۱۴۴/۱۴۶

۸. عبارت فوق را توضیح داده و مراد از «باغی» و «عادی» را بنویسید.

خوردن رُبها جایز است اگر چه بوی مسکرات از آن برخیزد مثل رُب سیب زیرا اولاً مُسکِر نیست و مست نمی کند و اصل هم حلیت خوردن است ولی در حال اضطرار خوردن هر چه که حرام است جایز می باشد ولی به باغی و عادی اجازه خوردن در حال اضطرار داده نمی شود. مراد از باغی: الخارج علی الامام العادل (او الذی یبغی المیتة ای یرغب فی اکلها)، عادی: قاطع الطریق (او الذی یعدو شعبه).

۹. آیا مایعات منتجسه از قبیل «دبس» و «لبن» با اتصال به آب کثیر (کرّ) پاک می شوند؟ چرا؟ ۱۳۴

خیر، زیرا شرط طهارت نفوذ آب است در تمام اجزاء آنها که در این صورت از آن حقیقت قبلی خود خارج شده و تبدیل به آب مطلق می شوند دیگر باقی نمی ماند تا فرض شود پاک شده اند و تا باقی هستند معلوم می شود آب در همه اجزایشان نفوذ نکرده تا پاک شوند.